

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی - سعید افغانی
۱۷ اگست ۲۰۱۱

فهم من از فرمان "رئیس جمهور"

مبنی بر ارجاع حکم محکمه به کمیسیون انتخابات

آنچه در وطن می گذرد هیچ هموطن با احساس را آرام گذاشته نمی تواند. بررسی عوامل دیروز و امروز آن، عوامل خارجی و داخلی آن و تمام مسایل و از جمله مناقشات بر سر انتخابات پارلمانی در افغانستان بحث عریض و طویل را ایجاب می کند.

تأمین عدالت مطلق درین جهان بشری ناممکن است. آنچه انسان امروز در اختیار دارد و به صورت نسبی و احسن تأمین عدالت کرده می تواند به کار گیری وسیله ای جز گذاشتن اسناد و شواهد مشروع قانونی در ترازوی عدالت راه دیگری نسبتاً عادلانه تروجود ندارد. یعنی اگر درین راستا جانب حق امکانات کافی و لازم به خرج نداد و یا به خرج داده نتوانست و جانب ناحق با نیرنگ و حقه بازی شواهد فریبنده ای به ترازوی عدالت گذاشت، محکمه قضایی مکلف است به اساس همان اسناد و شواهد مشروع که به پیشگاه محکمه ارایه و تقدیم می شوند قضاوت و حکم خویش را مستند سازد. حتی قاضی حق ندارد به فکر و استنباط شخصی خویش یا مستند به معلومات خارج از محکمه استناد و اصدار حکم نماید. به همین دلیل سمبول ملکه عدالت که خانم بلند بالا یا چشمان بسته و ترازوی عدالت در دست تمثیل شده گوینده این توضیح من است. به یقین گفته می توانم که محکمه اخیر خاص استیناف در مورد نتایج انتخابات در افغانستان نیز ازین اصل وقاعده مستثنی باشد و یا هم بوده نمی تواند.

مسلم است که دیموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است. انتخابات پارلمانی گذشته در افغانستان به اساس قانون؟! صورت گرفت که قانون نیست. به این علت که قانون نافذ انتخابات لغو اعلان شد، قانون جدید انتخابات را پارلمان در سال اخیر خدمت خویش تغیر داده نمی تواند و فرمان تقنینی برای تصویب این قانون در ظرف مدت تدویر پارلمان و مجاز نیست. اما انتخابات به اساس همین سند به نام قانون انتخابات به اساس فرمان تقنینی بدون مجوز قانونی تمیل شد.

در کشوری که قانون انتخابات عملی نمی شود، از ارگانهای دولتی در انتخابات سوء استفاده صورت گرفت، پولهای سیاه و غیر شرعی در انتخابات به کار برده شده، سازمان های استخبارات خارجی وسیعاً برای اهداف خویش

گماشته های خویش را مساعدت مالی و تبلیغاتی کردند و از همه مهمتر که تذکره تابعیت معتبر و غیر قابل تزویر (مشکل قابل تزویر) وجود نداشت و ندارد در چنین شرایطی کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات که از لحاظ ساختار انتخاب و برگزیدن شان این هر دو کمیسیون مستقل بوده نمی توانست به وجود آمد و انتخابات درین شرایط و ناآمنی های عینی و عمدی ایجاد شده در افغانستان با قوانین کاملا ناقص صورت گرفت. مسؤولین سیاسی افراد غیر مشروع و در مواردی غیر مسلکی که مشروعیت خویش را از حلقه استخباراتی اجنبی به دست آورده اند چطور میتوانند، نتیجه دیگر جز آن نتیجه ای که بوقوع پیوست، انتظار دیگری داشت؟ مسلم که دیموکراسی و نام دیموکراسی به ریشخند و تمسخر گرفته شده و برای مقاصد شوم آزمندان، زراندوزان و نوکران منافع خارجی به کار گرفته شد.

به یقین که کمیسیون سمع شکایات با نواقص و خلاهایی که در بالا قسما به آن اشاره کردم به هزار ها شکایت باید رسیدگی می کرد. اما به صورت عینی از توان این کمیسیون بالا بود که چنین کرده بتواند. هر ادعائی مبنی بر اینکه کمیسیون سمع شکایات به شکایت بررسی و رسیدگی لازم کرده ویا کمیسیون انتخابات کار خویش را درست اجراء کرده، با تمام تلاش و با تمام صداقت اگر هم کرده باشد یک کار ناممکن و در نتیجه ادعای حق به حق دار رسیدن دروغ محض و فریب بیش نیست و بوده نمی تواند.

نورمهای حقوقی و قانونی منطق خود را دارند و باید تسلسل منطقی داشته باشند.

کمیسیون مستقل انتخابات مانند یک کمیسیون مستقل در تصامیم خویش مستقل است. قضاء و ارگان قضائی در قضاوت خویش مستقل اند. اما هیچ مرجع به شمول خود قضاء و قاضی در صورت تخلف از قانون از سلطه و بررسی قضاء مبرا و خارج نیستند و بوده نمی تواند. (ماده ۱۲۰، ۱۲۱ و خاصا ۱۲۲ قانون اساسی). لذا ادعای اینکه عمل کرد های کمیسیون مستقل انتخابات را محاکم مورد بررسی قرار داده نمی تواند مستند به ماده ۱۲۲ قانون اساسی کشور یک ادعای نادرست و غیر قانونی است.

مسلم این که تمام تصامیم ارگانهای اداری باید توسط ارگان قضائی در صورت درخواست یکی از جوانب مورد بررسی قرار داده می تواند ویا باید داده بتواند. حتی مراجع عدلی و قضائی کشور باید خود متشبت بوده و وظیفه نظارت از تطبیق قانون را به جاء آورند و اجراء کنند. مسلم این است که بررسی و رسیدگی عدلی و قضائی بر قانونی بودن تصامیم از اجراءت مراجع اداری باید دریک سطح بالا و عالی تر (استیناف) صورت گیرد. به این معنا که مرجع اولی و محکمه ابتدائی همان ارگان اداری شد و محکمه استیناف محکمه ای است که به خاطر این امر تخصیص داده می شود.

شناخت و تجربه من از قوانین و مسأله استیناف و مرافعه خواهی بالترتیب از محکمه ابتدائی، استیناف، تمیز، حالات استثناء ظهور دلایل جدید و محاکم بین المللی با تفاوت های جزئی درمسایل مختلف مدنی و جزائی چنین است:

محکمه ابتدائیه حکم را صادر می کند مثلا در مسأله جزائی ویا حقوقی مبنی بر برائت الذمه شخص (درمسأله جزائی). حکم محکمه قطعی است اما نهائی نیست. محکوم علیه و مدعی العموم می توانند در همان جلسه که حکم صادر شده ویا در ظرف مدت معین مرافعه طلبی و استیناف بخواهند. بعد از استیناف موضوع با ذکر دلایل ویا بدون ذکر آن به محکمه استیناف می رود و محکمه استیناف در بعضی از کشور ها حق دارد حکم مستقل را صادر ویا هم حکم اولی را تغییر و یا هم حکم خویش را به محکمه ابتدائیه ضم قرار قضائی یکجا ارجاع نموده و درین

قرار قضائی تعیین و رهنمائی کند که محکمه ابتدائیه باید در کدام قسمت قضایا و کدام شواهد و جوانب قضیه غور و بررسی و بازنگری مجدد کند و یا کدام بخش ها را اهتمام نکرده که باید اهتمام کند و به این ترتیب موضوع واپس به محکمه ابتدائیه راجع می شود تا قرار محکمه استیناف (مرافعه) را عملی کند. محکمه ابتدائیه موضوع و قرار محکمه استیناف را مورد بررسی و مورد مذاقه قرار داده یا به نتیجه دیگری می رسد و یا هم قرار و حکم اولی خویش را مستند به دلایل تأیید می دارد و یا هم حکم محکمه استیناف را قبول و اصدار حکم جدید به اساس استنباطات محکمه استیناف صادر می کند. باز هم در صورتی که جانبین قبول کردند حکم محکمه ابتدائیه (درحالت فعلی تصمیم کمیسیون مستقل انتخابات) در مدت معین نهائی می شود و اگر نشد موضوع واپس به مراجع بالائی جهت تدقیق بیشتر فرستاده می شود.

فهم من از ارجاع حکم محکمه استیناف خاص انتخابات به کمیسیون مستقل انتخابات توسط فرمان اخیر رئیس جمهور حامد کرزی نیز به همین منوال است تا کمیسیون مستقل انتخابات در تطبیق حکم و قرار محکمه خاص استیناف هرچه زودتر اقدام بدارد.

سؤال در این جا است در صورتیکه کمیسیون مستقل انتخابات و در رأس آقای معنوی این محکمه را از همان آغاز خلاف نص ماده ۱۲۲ قانون اساسی کشور مشروع نمی داند چطور در زمینه بنا بر حکم این محکمه غیر مشروع به زعم شان اقدام و اجراءات خواهند کرد؟

نمی دانم استقبال جناب معنوی از فرمان رئیس جمهور نحوی از تجاهل عارفانه است و یا بازی های سیاسی که سبب ادامه تراژیدی مردم شده آنرا طولانی ساخته و انستیتوت های دیموکراسی را ازین هم بیشتر در اذهان مردم ما می کوبند؟ عین سؤال مبنی بر اعمال دیگر متوجه جوانب دیگر قضیه در موارد زیادی دیگر نیز است. من یقین کامل دارم که محکمه خاص استیناف هم از لحاظ امکانات دست داشته نمی تواند و نتوانسته عدالت را تأمین کند. اما منطق پروسیجر چنان است که پیشکش کردم.

نمی دانم درین بازی ها که همه جوانب حلقه قدرت خطاها و سرتمبه گی های آزمندانۀ خویش، بازی های غیر مشروع حزبی و سیاسی خویش را به طور صریح دارند سرنوشت مردم ما، سرنوشت اولاد "جامعه جهانی"، سرنوشت دیموکراسی به کجا خواهد کشانید؟

و حال که درین مبحث هستیم باید گفت که کارپارلمان رسیدگی به قضایای انفرادی و عرایض انفرادی دعاوی حقوقی افراد یعنی که در جنگ شرکت خصوصی امنیتی و مردم محل تثبیت زمین این که این زمین به دولت تعلق دارد (خبر مؤرخ ۱۵/۰۸/۲۰۱۱ کارکمیسیون های پارلمان) یعنی آنچه هر هفته در وسایل اطلاعات جمعی مبنی به فعالیت کمیسیون های پارلمانی می شنویم. کار پارلمان کلید سازی است نه تمرکز به دعاوی انفرادی.

و حال که درین مبحث هستیم پارلمانی که مشروعیت خودش مورد سؤال است تصامیم مشروع گرفته می تواند؟ و یا طرف دیگر حاکمیت را یعنی مسئولین رهبری قوه قضائی را برطرف و سبکدوش اعلام کرده می تواند؟

و حال که درین مبحث هستیم چطور ممکن است که وزراء و مسؤولین قضائی و وزراء به صورت دوامدار برای مدت طولانی به حیث سرپرست بوده می توانند و گویا اراده ملت به تمسخر گرفته می شود؟ این به این معنا است که این پارلمان اراده ملت نیست و یا هم فریبی واضح در کار است؟

اگر این پارلمان کاره ای میبود، حداقل تدابیر اخیر پاکستان و فرمان آقای زرداری رئیس جمهور پاکستان را مبنی بر برداشتن قدمهای اساسی به خاطر نهائی کردن خط منحوس و تحمیل دیورند مبنی به اساس فرمان آقای زرداری لغوی قانون اف سی آر (۱۵/۸/۲۰۱۱) اعتراض می کرد و سفر هیأت پارلمانی افغانی به ریاست محترم

محمد یونس قانونی را به پاکستان لغو می کردند. این اقدام پاکستان مبنی بر لغوی ایجنسی ها و تابع ساختن آن به حکومت مرکزی در واقعیت عمل صریح و واضحی است که پاکستان خط منحوس دیورند را نهائی می داند و در جانب افغانی کسی نیست که صدای اعتراض خویش را در مورد بلند کند. اصلاح نظام قضائی، اداری و سیاسی سرزمین به عاریت گرفته شده و غصب شده به بهانه مذکور و پیوستن حقوقی و سیاسی آن به اداره مرکزی پاکستان ادامه همان سیاست فریب و اغوای جهانی بیش نیست.

این و دهها چطور ها و چرا ها و اسناد نشان می دهد که دولت افغانستان، دولت مردم ، برای مردم و در خدمت ارزش های مردم افغانستان نیست. بخشی ازین حالت بنا بر برخورد های غیر مسلکی و فریبنده خاک به چشم مردم انداختن و به زعم خویش فریب دادن و تلاش برای ادامه حاکمیت خویش به هر قیمت است. اما مردم فریب نمی خورند و می دانند که در موارد زیادی آب از بالا چرکین و ناصاف است.

راه حل مردمی و راستین به صورت تلگرافی:

منحل کردن پارلمان (که باید برای آن مدرک و مجوز حقوقی یافت)، توزیع تذکره های با اعتبار تابعیت افغانی و به راه اندازی انتخابات جدید پارلمانی و به تعقیب آن وارد کردن تغییرات و اصلاحات در قانون اساسی و تأمین اراده ملت در مدت زمان شش ماه. قانون اساسی که در آن به علاوه دیگر توازن بین قوای سه گانه دولت که یکی ممد و نظارت گر دیگر شوند، به وجود آید، نظام اداری کشور به نحوی اصلاح شود که فاصله ها بین ملت و دولت رفع گردد. این و دهها مشکل ساختاری در اداره کشور که ضرورت به تغییر و اصلاح دارد.

اما این خواست و آرزو از دور راه ممکن است:

یکی با تغییر نظام از داخل نظام و به استناد قوانین نیم بند دست داشته و تحت نظر سازمان ملل متحد و "جامعه جهانی" و دومی با حرکات انقلابی و نفی آنچه در ده سال گذشته به پول و قیمت گزاف اما نتایج ناچیز به دست آمده. هریک ازین دو حل جوانب مثبت و منفی خویش را دارد و درد آور و عذاب دهنده است اما عملاً چاره دیگری وجود ندارد و انتخاب دیگری برای ما نگذاشتند. این که افغانستان کدام یک از این دو گزینه را انتخاب خواهد کرد و یا خواهد پیوست سؤال هائی است که جواب آنرا زمان خواهد داد و من فعلاً جواب آنرا ندارم. شواهد نشان می دهد وضع کشور به بحران کشانده شده که در نتیجه آقای معنوی سبکدوش و از صحنه برداشته خواهد شد و عده ای به محاکمه کشانیده شده. بحران سیاسی در افغانستان مایه گرفته و وضع بیشتر بحرانی شده و به بن بست غیر قابل حل آسان خواهد انجامید.

و اما ای زورمندان و بازیگران قدرت و تشنگان زر و قدرت !

بدانید که مزه مرگ را چشیدنی هستید. اگر ملت برای موقت به گریبان شما رسیده نمی تواند و گریبان شما را گرفته نمی توانند به یقین روز بازپرسی خواهد آمد و شما از ذره ذره اعمال خویش نزد پروردگار و رب العزت جوابگو خواهید بود.

هموطنان گرامی و معزز!

برماست از تمام امکانات دست داشته با اولویت دادن منافع علیای کشور در تمام سطوح با کار و تلاش صادقانه و مدبرانه به خاطر فشرده شدن و ایجاد پلتفورم ها و حرکات مشترک ملی با یکجاشدن حرکات و حلقات خورد و

بزرگ به خاطر تحقق اهداف مشترک و ختم این تراژیدی ملت و مردم خویش، نجات و دفاع از امر صلح و رسیدن به زندگی نورمال و متمدن تلاش های خویش را از هر وقت دیگر بیشتر ساخته و برای خدمت به امر خیر دست به دست هم بدهیم و با قوت بیشتر کار صادقانه نمائیم. بر ماست تا ادای رسالت نموده مردم خویش و "جامعه جهانی" را ازین منجلاب تباه کن رهائی بخشیم.

یادداشت:

ارایه مستند بحث حقوقی و پیشکش کردن جزئیات دقیق ایجاب رسیدگی و تحت مذاقه قرار دادن حکم محکمه استیناف، فرمان رئیس جمهور و دیگر قوانین مربوط را می طلبد که ایجاب وقت و پُرکردن اوراق زیاد و وقت بیشتر را می نماید. چیزیکه از حوصله خواننده و پالیسی نشراتی بخش اعظم مراجع نشراتی خارج می شود.

پایان